

بازنمایی تحولات اخیر جهان اسلام در گفتمان شبکه پرس تی وی

دکتر حسن بشیر^۱

دانشیار معارف اسلامی و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

علی وحیدی فردوسی^۲

دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع) (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۰۳

چکیده

مقاله حاضر، گزیده‌ای از یک پژوهش علمی است که به منظور فهم فرایند جهت‌گیری‌ها و پارادایم‌های فکری و نظری در گفتمان خبری شبکه پرس تی وی نگاشته شده است. رویکرد نظری اتخاذ شده در این تحقیق تلفیقی از نظریات گفتمان، بازنمایی، برجسته‌سازی و تصویرسازی و رویکرد روشی آن «روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) و بازه پژوهش، اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۹۰ است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سیاست خبری شبکه پرس تی وی در قبال تحولات بحرین، لیبی و یمن در بعد داخلی تفاوت مهمی با بازنمایی تحولات سوریه داشته است. به این صورت که در بازنمایی تحولات داخلی یمن، بحرین و لیبی نفی رژیم‌های حاکم در این کشورها با تأکید بر مصادیق فساد و سرکوب و شکنجه مردم و برجسته‌سازی موضوعاتی از جمله نقض حقوق بشر و نقض آزادی‌های مذهبی مردم مورد تأکید بوده است. اما در خصوص سوریه لزوم اصلاحات (و نه تغییر رژیم) مورد تأکید قرار گرفته است. در بعد خارجی، نفی مداخلات خارجی به عنوان اصلی‌ترین سیاست بازنمایی در تحولات یمن، بحرین، لیبی و سوریه مورد توجه قرار گرفته است و در خصوص سوریه، عدم انزوای بین‌المللی حکومت بشار اسد به عنوان یک سیاست بازنمایی مورد توجه بوده است. همچنین سیاست خبری شبکه در قبال تحولات مصر و تونس، در بعد داخلی، پیگیری مطالبات قیام مردم، و در بعد خارجی، در خصوص اخبار مصر سیاست «نفی رابطه با اسرائیل» بوده است. اخبار پرس تی وی در بازه مطالعه شده به مسائل خارجی تونس نپرداخت.

واژه‌های کلیدی: بیداری اسلامی، روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)، بازنمایی، شبکه پرس تی وی، جهان اسلام.

1. bashir@isu.ac.ir

2. alivahidi.f@gmail.com

تحولات بیداری اسلامی در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه که تاکنون به تغییر برخی از رژیم‌های این منطقه انجامیده و موج تازه‌ای از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان را در پی داشته است (مسعودنیا و صادقی، ۱۳۹۲: ۹۹)، از جمله رخدادهایی است که رسانه‌های خبری در طول حیات خود به قدرت با آن مواجه می‌شوند و البته قوت و یا ضعف عملکرد یک رسانه در بازنمایی این چنین رخدادهایی و ارائه یک تصویر صحیح و یا معوج از آن ممکن است وجهه آن رسانه را نزد افکار عمومی به شدت بهبود بخشیده و یا اینکه مخدوش نماید. با توجه به طولانی شدن این قیام‌ها و این روند قدرت‌یابی جدید که انتظار می‌رود به تدریج در دیگر کشورهای منطقه نیز شاهد آن باشیم (همان: ۹۹)، نحوه جهت‌گیری رسانه‌های خبری به‌طور فرایندی در بازه‌های زمانی مختلف در خصوص هر یک از آنها امری مهم و درخور بررسی است. در این میان، گرچه می‌توان گفت که پرس تی‌وی از یک گفتمان کلان در این زمینه پیروی می‌کند که از انسجام خاصی برخوردار است، تبیین فرایند یا به عبارت دیگر، رویکردهای گفتمانی شبکه پرس تی‌وی به عنوان یکی از اصلی‌ترین شبکه‌های خبری بین‌المللی و یکی از مهم‌ترین بازوهای دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا. ایران در خصوص تحولات منطقه در ماه‌های گذشته و سپس فهم سیاست خبری محوری شبکه در قبال این تحولات، مسئله اصلی این پژوهش است.

به‌طور مشخص، در این مطالعه رویکردهای گفتمانی پرس تی‌وی در خصوص تحولات هر کدام از کشورهای تونس، یمن، بحرین، لیبی، مصر و سوریه که برخی مرحله تغییر رژیم را گذرانده‌اند و برخی دیگر همچنان دستخوش کشمکش هستند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. «مطالعه رویکردهای درون‌گفتمانی پرس تی‌وی در خصوص تحولات تونس، یمن، بحرین، لیبی، مصر و سوریه در اردیبهشت و خرداد ۹۰» و «تبیین عناصر گفتمانی غالب از بین رویکردهای درون‌گفتمانی در هر یک از کشورهای مورد بررسی» دو هدف اصلی از انجام این پژوهش بوده است. در این راستا، پرسش‌های زیر مورد توجه بوده‌اند:

۱- تحول جهت‌گیری‌ها و پارادایم‌های فکری و نظری در گفتمان خبری پرس تی‌وی در بازه زمانی اردیبهشت و خرداد ۹۰ در خصوص تحولات تونس، یمن، بحرین، لیبی، مصر و سوریه چگونه بوده است؟

۲- از میان تحولات گفتمانی در هر کدام از کشورهای مورد مطالعه، کدام یک از عناصر



(یا کدام عنصرها) جنبه غالب یافته، به طوری که می توان آن عنصر (یا عناصر) را به عنوان سیاست خبری پرس تی وی در بازنمایی تحولات آن کشور مورد استناد قرار داد؟ با توجه به اینکه این بررسی، کیفی و اکتشافی است، در آن فرضیه خاصی مطرح نشده و محققان در پی بررسی رویکردهای درون گفتمانی تحولات منطقه در شبکه پرس تی وی در انتهای تحقیق بوده اند.

با وجودی که مدت زیادی از آغاز تحولات بیداری اسلامی نمی گذرد، ماحصل برگزاری همایش ها و نگارش مقالات متعدد درباره این پدیده - به طور کلی - و بررسی نقش رسانه ها در بازنمایی این رویداد کم نظیر - به طور ویژه - باعث شده تا آثار علمی نسبتاً زیادی در این زمینه تولید و منتشر شود که از این میان، چهار پژوهش زیر که با محوریت تحلیل گفتمان تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا انجام شده معرفی می گردد:

مقاله «دیپلماسی بحران سازی؛ سوریه و بازنمایی های رسانه ای»، اثر حسن بشیر (۱۳۹۰): این مقاله که در کتاب «رسانه های بیگانه: قرائتی باتحلیل گفتمان» منتشر شده است به تبیین نقش رسانه ها در تحولات اخیر در سوریه پرداخته و نحوه بازنمایی این تحولات در ۹ نشریه واشنگتن تایمز، سان تایمز، کرسستین مانیتور، گاردین، السیاسه، الشرق الأوسط، راسیسکایا گازتا، اخبار الخلیج و ماینیچی از ۷ کشور آمریکا، انگلستان، روسیه، ژاپن، عربستان، کویت و بحرین را با استفاده از روش تحلیل گفتمان بررسی کرده است.

پژوهشی با عنوان «بررسی چگونگی انعکاس خبر تحولات یمن و سوریه در پرس تی وی از منظر تحلیل گفتمان»، اثر لقمان کریمی و آزاده نجفی: این پژوهش به بررسی چگونگی نظم گفتمانی شبکه خبری پرس تی وی در انعکاس تحولات یمن و سوریه و روایت آن از اعتراضات با استفاده از رویکرد لاکلاو و موف در تحلیل گفتمان پرداخته است.

پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان پرس تی وی در انقلاب مصر؛ بررسی سیاست های بازنمایی پرس تی وی در انقلاب مصر»، اثر وحیدی فردوسی: این پژوهش به بررسی نحوه انعکاس قیام مردمی مصر در شبکه پرس تی وی با هدف استخراج سیاست های خبری و نیز گفتمان این شبکه در خصوص این قیام و با استفاده از رویکرد لاکلاو و موف در تحلیل گفتمان پرداخته است.

یکی دیگر از مطالعاتی که با محوریت بررسی بحران اخیر در یکی از کشورهای مورد



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

بحث در این پژوهش - کشور سوریه - انجام شده و به تبیین راهبرد ایران (البته از جنبه امنیتی و نه رسانه‌ای) در قبال این بحران پرداخته است، در قالب مقاله «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳)» در شماره اول از سال سوم فصلنامه «پژوهشهای سیاسی جهان اسلام» در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است.

نظریات تحقیق

۱. نظریه بازنمایی

در مطالعات انتقادی و ارتباطی (بازنمایی)، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی تعریف می‌شود. آنچه ما واقعیت می‌نامیم، خارج از فرآیند بازنمایی نیست. البته این بدان معنا نیست که هیچ جهان مادی واقعی وجود ندارد، بلکه مهم این است که به آن جهان مادی واقعی، باید معنایی داده شود (معمدنژاد و مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳).

برخی معتقدند که اساساً «عمل رسانه»^۱ بازنمایی امور پنهان و نهفته یا باورها، ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌هاست؛ اما به‌منظور حفظ و تأمین اجماع و تظاهر به انتخاب آزاد، فعالیت‌هایش را پوشیده نگه می‌دارد یا ارزش‌ها و ساختارهای بنیادین را پنهان می‌سازد. ساختارهای بنیادین همان ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها هستند که پنهان می‌مانند و درست و صحیح فرض می‌شوند و به‌عبارتی، در گفتار روزمره و در قالب عقل سلیم، اشاعه می‌یابند (معمدنژاد و مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴). از این منظر، رسانه‌ها را باید سازنده محیط نمادینی دانست که تأثیر عمده آنها، شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۰). بازنمایی فرهنگی و رسانه‌ای نه امری خنثی و بی‌طرف، که آمیخته با روابط و مناسبات قدرت جهت تولید و اشاعه معانی مرجح در جامعه در راستای تداوم و تقویت نابرابری‌های اجتماعی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶).

۲. نظریه گفتمان

گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌ها است که هر زبان برای صحبت کردن راجع به نوع خاصی از دانش درباره موضوعی تجهیز می‌کند؛ به‌عبارتی، نحوه‌ای از بازنمایی است. گفتمان شامل یک گزاره نمی‌شود، بلکه چندین گزاره با هم درکارند تا چیزی را شکل دهند؛ میشل فوکو این وضع را «صورت‌بندی گفتمانی» می‌خواند (هال، ۱۳۸۶: ۶۲). فوکو بر این عقیده



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بایستی جهان اسلام

۳۲

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

است که ماهیت گفتمان به گونه‌ای است که باعث بیان گزاره‌هایی خاص می‌شود و از بیان گزاره‌های دیگر جلوگیری می‌کند. از نگاه فوکو، گفتمان نه تنها همیشه در قدرت بوده و دلالت بر قدرت دارد، بلکه از جمله نظام‌هایی است که قدرت از طریق آن، دست به دست می‌چرخد. فوکو معتقد است که هر چیز و هر فعالیتی برای معنادار شدن باید بخشی از گفتمانی خاص باشد (فرقانی، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

اگر تلاش برای تجزیه و تحلیل محتوای رسانه‌ها در دهه ۱۹۷۰ تحت الشعاع ایدئولوژی قرار داشت، این نقش را در دهه ۱۹۸۰ «گفتمان فوکو» به خود اختصاص داد. تئوری‌های ناظر به ایدئولوژی در دهه ۱۹۷۰ نشان دادند که چگونه نظام معناها مسلط از طریق رسانه‌ها و دیگر دستگاه‌های ایدئولوژیک جامعه اعمال می‌شوند و افراد چگونه این ایدئولوژی مسلط را می‌پذیرند یا در برابر آن واکنش و مقاومت نشان می‌دهند. در اینجا تأکید بر قدرت اجتماعی اعمال شده از بیرون (به بیان مارکسیستی، طبقه حاکم و به بیان کلی‌تر، مجموعه نظام اجتماعی) بود. در دهه ۱۹۸۰ انقلاب ساختارگرایانه منجر به دگرگونی در بحث ایدئولوژی شد و این موضوع پیش آمد که نهادهای اجتماعی نظیر رسانه‌ها چگونه معنا خلق می‌کنند. در اینجا نقش رسانه‌ها در بازآفرینی ایدئولوژی مطرح می‌شود. استوارت هال رسانه‌ها را بخشی از «سیاست معنا بخشیدن» تعریف می‌کند و معتقد است که رسانه‌ها به رخدادهایی که در جهان به واقعیت می‌پیوندند، معنا می‌دهند. او می‌گوید که رسانه‌ها فقط به بازتاب واقعیت بسنده نمی‌کنند؛ بلکه واقعیت را تعریف می‌کنند و به جای آنکه فقط معناهای موجود را منتقل کنند، از خلال گزینش و عرضه و سپس بازآفرینی و شکل‌دهی دوباره به آن رویدادها، برای آنها معنا می‌آفرینند. از آنجا که هر واقعیتی معانی گوناگونی دارد، رسانه‌ها با تکیه بر قدرتی که دارند، تصمیم می‌گیرند که به هر رویدادی چه بهایی بدهند و آن را چگونه معنا کنند. در این برداشت، ایدئولوژی به رسانه‌ها اعمال نمی‌شود، بلکه چیزی است که رسانه در خلق و ساختاربندی آن نقش دارد. ارتباط نزدیک میان معنا و عمل اجتماعی در تئوری گفتمانی که فوکو تهیه و تنظیم کرده است، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد. از منظر او، اشکال جدید دانش به اشکال جدید قدرت و کنترل منتهی می‌شود. نهادهای اجتماعی جدید به جای کاربرد علنی زور و قدرت که ویژگی بارز جوامع سنتی بود و در قالب حکومت‌های سلطنتی تجلی کرد، در تلاش هستند تا قدرت و اقتدار خود را مخفی نگه بدارند. از آثار فوکو در مطالعات رسانه‌ای استفاده شده است تا نشان دهد که



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

رسانه‌ها مکانیسم‌ها یا دستگاه‌هایی هستند که قدرت گفتمان از طریق آنها اعمال می‌شود. بنابراین به باور فوکو، روابط قدرت بیشتر در قالب زبان، نوع خبر، انواع ساختمان یا شیوه‌های دیدن و درک مسائلی نظیر اینکه عناصر سازنده گفتمان هستند، متجلی می‌شوند تا در افراد یا سازمان‌ها (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۷۶).

اکنون باور همگانی این است که رابطه علایم، معانی و شرایط تاریخی و اجتماعی حاکم بر ساختار نشانه‌ای گفتمان (مقال یا سخن)^۱ از لحاظ محتوا قابل تحلیل است؛ و همین‌طور خبر که آن نیز نوعی گفتمان محسوب می‌شود. لذا گفتمان به گونه‌های کاربرد زبانی اشاره دارد که در نتیجه یک کنش ارتباطی حاصل شده‌اند و امکان تحلیل آنها وجود دارد. به دیگر سخن، در حالی که گرامر یا دستور زبان قوانین کاربردهای زبانی را بررسی می‌کند تا واحدهای دستوری نظیر جمله، عبارت و گزاره را ایجاد نماید، گفتمان واحدهای بزرگ‌تر زبانی همچون بندها، مکالمات و مصاحبه‌ها را در بر می‌گیرد (شکرخواه، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۰).

لاکلاو و موف از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران، نظریه گفتمانی خود را در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (۱۹۸۵) شکل داده‌اند. از نظر لاکلاو و موف هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید گفتمانی باشد. به عبارت دیگر، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند.

برداشت لاکلاو و موف از گفتمان مؤید شخصیت رابطه‌ای هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی‌ای که اینها خود بخشی از آن هستند می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی [که آن عمل در آن قرار دارد] باید شناخت (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۲).

۳. نظریه برجسته‌سازی

راجرز و دیرینگ، برجسته‌سازی را چنین تعریف می‌کنند: فراگردی که به وسیله آن، رسانه‌های جمعی، اهمیت نسبی موضوعات و تأثیرات گوناگون را به مخاطب منتقل

1. discourse.

می‌کنند (ویندال و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۶۲). برجسته‌سازی، در واقع، طبیعی جلوه دادن بزرگنمایی یک یا چند رویداد در رسانه‌هاست (شکرخواه، ۱۳۸۲: ۸). از نظر سولیوان و دیگران، برجسته‌سازی روشی است که رسانه‌ها از طریق آن، دانسته یا ندانسته، مباحثه و آگاهی عمومی را ساخت‌مند می‌کنند. از نظر وی، در زمینه برجسته‌سازی، دو گونه سؤال مطرح است: «یکی اینکه رسانه‌ها چه موضوعاتی را به مخاطب عرضه می‌کنند؟ دوم اینکه اطلاعات در خصوص این موضوع چگونه ارائه می‌شود؟» (سولیوان و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۷).

کاربرد برجسته‌سازی، روی این واقعیت متمرکز است که نه تنها مردم، اطلاعات واقعی درباره امور عمومی جهان را از طریق رسانه‌ها به دست می‌آورند، بلکه خوانندگان و بینندگان رسانه‌ها به این مسئله مهم نیز پی می‌برند که با توجه به تأکیدی که بر نحوه ارائه خبر شده است، چه اهمیتی برای آن خبر قائل شوند (اوگاو، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۶). اوگاو همچنین معتقد است که برجسته‌سازی، روی کمیت یا حجم گزارش خبری نیز متمرکز می‌شود و فرض را بر این قرار داده که کل میزان گزارش خبری مربوط به یک موضوع سیاسی، به شناخت خوانندگان و بینندگان نسبت به اهمیت آن موضوع بستگی دارد. به عبارتی، اثرات برجسته‌سازی وسایل ارتباط جمعی، نه تنها تحت تأثیر کمیت (زمان و فضای تخصیص یافته) خبر قرار دارد، بلکه کیفیت (محتوا) خبر نیز بر آن تأثیر می‌گذارد.

برجسته‌سازی در اخبار تلویزیون بدین صورت است که برخی اخبار، خیلی زود و در معرفی اهم اخبار گفته می‌شود، زمان بیشتری به آنها اختصاص داده می‌شود و توسط برخی اخبار پیش‌زمینه‌ای تکمیل می‌شود و دارای تصاویر ویدئویی سر صحنه نیز هست. برجسته‌سازی، از آن جهت مهم است که می‌تواند تأثیر و نفوذ عمیقی در جهت توسعه آینده کشور و تدوین سیاست‌ها و قوانین جدید بگذارد (دفلور و دنیس، ۱۳۸۳). اینگر و همکاران وی دریافتند که بخش خبری تلویزیون ممکن است به واسطه برجسته‌سازی، بر انتخابات ریاست‌جمهوری اثر داشته باشد. این موضوع که «زمینه‌چینی» نام دارد، فرایندی است که طی آن رسانه‌ها به برخی موضوعات توجه می‌کنند و موضوعات دیگر را در نظر نمی‌گیرند و از این طریق، معیارهایی را که با آنها مردم نامزدهای انتخاباتی را ارزیابی می‌کنند، تغییر می‌دهند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۳۷-۳۳۸). زمینه‌چینی، در واقع دومین گام برنامه‌ریزی ارتباطی است که از این طریق، رسانه‌ها می‌کوشند با ارائه یک زمینه قبلی به



مخاطب، زمینه‌ای برای تفسیر ارتباط آتی فراهم کنند. از این نظر، برجسته‌سازی به اهمیت موضوع اشاره می‌کند؛ ولی زمینه‌چینی مشخص می‌کند که آیا موضوعی خوب است یا بد (ویندال و دیگران، ۱۳۷۶: ۳۵۷).

رویکرد برجسته‌سازی محتوای رسانه، روابط بین واقعیت و گزینش وقایع توسط رسانه‌ها و تأثیر آن بر روی ادراک عموم را مقایسه می‌کند. تحقیق برجسته‌سازی ثابت کرده است که اشکال ذهنی مردم به‌ویژه آنهایی که ارتباط مستقیمی با واقعیت ندارند از طریق رسانه‌ها جهت داده می‌شوند؛ در حالی که، موضوعات مطرح شده در رسانه‌ها ثابت کرده است که این موضوعات، با مخاطب (عامه مردم) ارتباط کمتری دارد.

۴. نظریه تصویرسازی (انگاره‌سازی)

تصاویری که ما از پدیده‌ها، موضوعات، شخصیت‌ها و رویدادهای محیط پیرامون خود در ذهن داریم، مجموعه‌ای از انگاره‌ها را برای قضاوت درباره تصاویر جدید در اختیارمان می‌گذارد. در واقع، هرگونه قضاوت درباره تصاویر یا انگاره‌های جدید، ما را به انگاره‌های قدیم که در ذهن داریم، ارجاع می‌دهد (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۲۳). ارائه انگاره‌ای از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیاء و رویدادها به مخاطب، انگاره‌سازی خبری نام دارد. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت‌ها سروکار نداریم. واقعیت‌ها دست‌کاری شده و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند (غفاری، ۱۳۷۴: ۲۱).

حمید مولانا معتقد است که انگاره یا تصویر از سه قسمت تشکیل شده است: احساسات، ادراک و آگاهی، و عملکرد. در بعد احساسی یا ارزشی، دوست داشتن یا نداشتن یک موضوع یا شیء، مورد نظر است و اغلب با موافقت یا عدم موافقت ادراکی سروکار دارد. بُعد ادراکی یا آگاهی یک انگاره، دانش ما از طبیعت همیشگی یا موروثی موضوع یا پدیده مورد نظر است و خصایص آن را بیان می‌کند. بعد عملکردی یک انگاره با جنبه‌های رفتاری فرد، چگونگی برخورد با موضوع مورد نظر و کلیه ترکیبات و مشخصات آن سروکار دارد. برای مثال، در سطح بین‌الملل، بعد احساساتی یک فرد یا یک گروه، بیانگر دوست داشتن و یا نفرت آن شخص و گروه از کشورها، فرهنگ‌ها و سازمان‌های مختلف است؛ در حالی که بعد ادراکی، قدرت یا ضعف این کشورها و فرهنگ‌ها و سازمان‌ها را از نظر افراد و گروه‌ها بیان می‌کند. این تعاریف، به نسبت فرد و یا نوع انگاره ذی‌ربط متفاوت است (مولانا، ۱۳۷۵: ۱۰).



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه تراسات العالم الاسلامی
پژوهشهای بای جهان اسلام

۳۶

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

روش‌شناسی تحقیق

روش تحلیل گفتمان مورد استفاده در این پژوهش، «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام)^۱ است که در چندین تحقیق دانشگاهی و مقاله علمی روایی آن مورد آزمایش و تأیید قرار گرفته است.^۲

روش عملیاتی تحلیل گفتمانی (پدام): این روش شامل پنج سطح تحلیلی است. این سطوح عبارتند از: سطح - سطح، سطح - عمق، عمق - سطح، عمق - عمق (عمیق) و عمیق‌تر. هر سطح دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه تشریح می‌شوند. بر دو سطح اول (سطح - سطح) و دوم (سطح - عمق) نوعی از توصیف حاکم است که با مرحله «توصیف» در روش فرکلاف نیز شباهت دارد؛ اما تفاوت اساسی آن با روش مزبور در نوع انتخاب کلمات و جملات موجود در متن برای انجام تحلیل است.

سطح اول (سطح - سطح) با نام «برداشت از اصل متن» در صدد کشف کلمات و جملاتی است که در متن دارای بار معنایی خاص در راستای اهداف تحقیق باشند. این برداشت، یک انتخاب آگاهانه است که کلیه جملات مرتبط با هدف تحقیق را گزینش و برای انجام مراحل بعدی در ستون اول تحلیل در روش پدام درج می‌نماید. این سطح از تحلیل، سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین بخش تحلیل گفتمان است و در تحقیق حاضر، عمدتاً با تمرکز بر لید^۳ خبرها مورد مطالعه قرار گرفته است؛ چرا که متون بررسی شده در این تحقیق، خبر هستند و عمدتاً هم با استفاده از سبک هرم وارونه^۴ تنظیم شده‌اند. از آنجایی



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

1. Practical Discourse Analysis Method (PDAM).

۲. این روش توسط حسن بشیر، دانشیار دانشگاه امام صادق^(ع) ارائه شده است. برخی از مطالعاتی که با استفاده از این روش انجام شده به این شرح می‌باشند: ۱- کتاب: خبر: تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان، انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۹؛ ۲- کتاب: رسانه‌های بیگانه، قرائتی با تحلیل گفتمان، انتشارات سیمای شرق، ۱۳۹۰؛ ۳- «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم (از ۲۵ اسفند ۸۶ تا ۶ اردیبهشت ۸۷)»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی مرکز تحقیقات صدا و سیما، سال ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۵۷، بهار ۱۳۸۸، صص ۹۳-۱۱۴؛ ۴- تحلیل گفتمان نشریات دانشجویی، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، ۱۳۸۸؛ و چندین منابع دیگر که به جهت رعایت اختصار ذکر نگردید.

۳. به اولین عبارات خبر یا همان بند اول خبر - مخصوصاً در سبک هرم وارونه - که خواننده را هدف قرار داده و او را غافلگیر می‌کند «لید» می‌گویند. لید در واقع خلاصه مهم‌ترین مطلب خبر است که در یک یا دو جمله خواننده را در جریان اصلی‌ترین بخش خبر می‌گذارد و او را به خواندن بقیه خبر ترغیب می‌کند.

۴. در این سبک از نگارش خبر، قاعده هرم حاوی جذاب‌ترین و در بسیاری از مواقع حاوی مهم‌ترین بخش خبر است و کم‌ارزش‌ترین مطلب که حاوی بی‌اهمیت‌ترین بخش‌های ماجراست در نوک هرم قرار می‌گیرد. در واقع در سبک هرم وارونه مطالب با توجه به میزان اهمیت آنها از بالا به پایین تنظیم می‌شوند.

که در سبک هرم وارونه عمده‌ترین مباحث معمولاً در ابتدای خبر و در قالب لید مطرح می‌شود، در این تحقیق بررسی متن لید در اخبار مورد توجه قرار گرفته است (این، می‌تواند اصلی‌ترین تفاوت تحلیل گفتمان خبر و تحلیل گفتمان (مثلاً) یک سرمقاله در نقطه عزیمت تحلیل باشد). به عبارت دیگر، از تکنیک انتخاب لید - به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده تولیدکننده متن خبر در جهت برجسته‌سازی بخشی از خبر به عنوان اصلی‌ترین بخش متن و نیز برجسته‌ترین بخش متن به لحاظ ارزش خبری - استفاده شده است.

سطح دوم تحلیل در این روش، «جهت‌گیری و گرایش متن» نامیده می‌شود و همسان با بخشی از سطح دوم فرایند تفسیر در نگاه فرکلاف، یعنی «معنای کلام» است. در اینجا معانی جملات نه تنها در قالب کلمات و معنای صریح و ضمنی آنها به شکل انفرادی و ترکیبی مورد توجه قرار می‌گیرند، بلکه فراتر از آن به جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های گوناگون جملات و در نهایت خود متن، نسبت به مسائل مختلف اما مرتبط با موضوع تحقیق نیز توجه می‌شود. ستون دوم جدول پدام، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌ها را نشان می‌دهد و از آنجایی که «گرایش و جهت‌گیری متن»، مفاهیمی عمیقاً ارزشی هستند، به گفته ون‌دایک انتخاب یک واژه به جای واژه‌ای دیگر نشان از ارزش‌ها و باورهای انتخاب‌کننده دارد.

سطح سوم تحلیل با روش «پدام»، سطحی نیمه‌عمیق از تحلیل است که آغاز ورود به مباحثی است که در مبانی نظری این تحقیق هم بدان‌ها اشاره شده است و ذیل ستونی با نام «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» آمده و همسان با بخش دیگری از سطح سوم فرایند تفسیر فرکلاف یعنی «انسجام موضعی» است. از آنجایی که منظور فرکلاف، «برقراری انسجام فراگیر و کلی بین تمامی اجزاء یک متن نیست، بلکه بحث در زمینه برقراری انسجام در بخش معینی از یک متن است» (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۲۱۸)، تحلیل در این مرحله، به سطح نهایی خود نمی‌رسد و ارتباط با دیگر سلول‌های جدول در آن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. آنچه از این سطح تحلیل به دست می‌آید، تشریح بافتی^۱ است و در این مرحله، تحلیل‌گر در صدد کشف رابطه متن با زمینه خلق متن و بینامتنی‌های مورد استفاده پدیدآورنده متن است.

سطح چهارم تحلیل در این روش (عمق - عمق)، همسان با سطح چهارم از مرحله تفسیر، یعنی «ساختار و جانمایه متن» و نیز مرحله تبیین در نگاه فرکلاف است. این



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام
جمعیت تراسات العالم الاسلامی

۳۸

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

مرحله، مرحله خروج از ساختار ظاهری متن و توجه به فرامتن‌های مرتبط با متن است. در این مرحله تلاش می‌شود میان متن، زمینه و فرامتن‌های مرتبط با متن پلی ایجاد شده و «معانی» نهفته متن، خود را هویدا کند. مقایسه سلول‌های جدول با هم و استنتاج از آنها در این مرحله صورت می‌گیرد. این سطح، «سطح عمیق» تحلیل گفتمان به روش پدام است. در پژوهش حاضر، در سطح چهارم اخباری که سطح سومشان مشابه بوده‌اند، در قالب مقولات همسو تجميع شده، تکرارشان در خصوص آن کشور احصا شده و سپس تلاش شده تا با استفاده از سلول‌های اول و دوم در تحلیل گفتمان هر یک از آنها، این مقولات در بازه مورد بررسی معنادار شوند.

سطح پنجم در تحلیل گفتمان پدام که به‌نوعی خروج از روش فرکلاف است، سطح «عمیق‌تر» تحلیل نام دارد که در این تحقیق به بررسی گفتمان‌های حاکم بر اخبار برای تولید معانی می‌پردازد و به‌نوعی خروج از تحلیل خبر با هدف بررسی رویکردهای درون‌گفتمانی مشرف بر آن و مقایسه گفتمان‌های مختلف است. در این مرحله، متن، بینامتنیت و فرامتن، همزمان مورد توجه قرار گرفته و تحلیل نهایی ارائه می‌شود. مقایسه گفتمان‌های مختلف اجتماعی (هدف از آن تنها تحلیل متن نبوده و از آن برای بهره‌گیری ابزاری جهت درک ملموس‌تر استفاده می‌شود)، کشف نقاط قوت و ضعف هر کدام از این گفتمان‌ها است و در نهایت، اختیار گفتمان برتر یا عناصر برتر گفتمانی در این مرحله صورت می‌گیرد.

در اینجا مفسر یا تحلیل‌گر حضور کامل و تام داشته و قرائت نهایی توسط مفسر و تحلیل‌گر صورت می‌گیرد که با استفاده از متن، زمینه، بینامتنیت‌های پدیدآورنده و تحلیل‌گر، فرامتن‌های متن اصلی با گرایش پدیدآورنده و فرامتن‌های احتمالی متن با گرایش تحلیل‌گر مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل اساسی صورت می‌گیرد. اینجا است که نوعی از جمع‌بندی در شکل خط‌مشی یا رویکردهای خیلی کلان بوجود می‌آید. بدین ترتیب، در این مرحله است که کار تئوریک جدیدی صورت می‌گیرد. یعنی در این‌گونه از تحلیل گفتمان، اگرچه از تحلیل یک مورد استفاده می‌شود، تحلیل این مورد، به‌تنهایی هدف نبوده و نیل به نظرات جدید، هدف این روش است. در نتیجه، غایت روش پدام، تنها تولید نظرات و دیدگاه‌های خاص موقعیتی است که در جهت بسط گفتمان و کشف معانی نهفته آنها است.

همان‌گونه که قبل نیز گفته شد، اصلی‌ترین مسئله مطرح شده در این تحقیق، بررسی

و ارائه تحولات گفتمانی شبکه پرس تی وی در خصوص تحولات اخیر کشورهای مصر، تونس، لیبی، بحرین، یمن و سوریه و در نهایت، کشف عناصر برتر گفتمانی است. برای کشف تحولات مذکور، تحلیل کلیه رویکردهای اخبار در این مدت، استنتاج محورهای اصلی هر رویکرد، مقایسه رویکردهای مزبور و بالاخره درج فرایندهای گفتمانی در شیوه‌های مختلف طرح اخبار صورت گرفته و نهایتاً جمع‌بندی به‌دست آمده ارائه شده است.

نکته دیگر اینکه آنچه در این مطالعه و در کشف عناصر گفتمانی برتر پرس تی وی (سطح پنجم تحلیل در روش پدام) نسبت به تحولات هر یک از کشورهای مورد مطالعه مبنای عمل است حجم (تعداد) مقولات مشابه است. به عبارت دیگر، در مطالعه تحولات گفتمانی آنچه که موجب تفوق برخی از عناصر گفتمانی نسبت به عناصر دیگر می‌شود، حجم بیشتر پرداختن به آن عناصر در بازنمایی گفتمانی است. در واقع، پس از احصای تحولات گفتمانی در سطح چهارم تحلیل، در سطح عمیق‌تر در خصوص هر یک از کشورهای مورد بررسی، مقوله (یا مقولاتی) که دارای بیشترین حجم تکرار باشد، مقوله محوری (سیاست خبری و بازنمایی) شبکه در قبال آن کشور قلمداد می‌شود. انتخاب مقولاتی که دارای بیشترین حجم در میان دیگر تحولات گفتمانی هستند و استناد به آن‌ها به‌عنوان مقولات محوری، از رهگذر نظریه برجسته‌سازی - به‌عنوان یکی از مبانی نظری این پژوهش - قابل فهم است. سطح اول تا سوم در پژوهش حاضر، جهت تحلیل گفتمان هر یک از اخبار مورد استفاده قرار گرفته‌اند (تحلیل افقی) و سپس سطح چهارم متکفل فهم تحولات گفتمانی و در نهایت، سطح پنجم ابزاری جهت استخراج عناصر و پارادایم‌های محوری در میان تحولات گفتمانی هر کشور است.

جامعه آماری: اخبار بخش کوتاه ساعت‌های ۳:۰۰ و ۱۱:۰۰ بامداد و بخش مشروح ساعت ۱۹:۳۰ شبکه پرس تی وی در بازه زمانی اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۰ جمعاً ۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه) جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهد. تعداد اخبار این ۳ بخش خبری در بازه زمانی اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۰ جمعاً ۲۳۳۲ خبر بوده است. حجم نمونه: اخبار بخش کوتاه ۳:۰۰ و ۱۱:۰۰ بامداد و بخش مشروح ۱۹:۳۰ شبکه که به تحولات کشورهای یمن، سوریه، مصر، لیبی، تونس و بحرین می‌پردازند. بخش‌های انتخاب‌شده، بخش‌های میانی از نوبت‌های خبری پرس تی وی هستند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۴۰

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

واحد تحلیل: مهمترین واحد تحلیل در این بررسی، «خبر» است.

اعتبار: تعریف اعتبار این است که تا چه حد پرسش‌ها یا معرف‌های تشکیل‌دهنده تحقیق، ابزار مناسب برای نشان دادن ویژگی‌های اندازه‌گیری شده هستند. در این تحقیق، در تحلیل گفتمان هر خبر از مراحل تبیین‌شده در روش عملیاتی تحلیل گفتمان استفاده شده است. همچنین علی‌رغم استفاده از ترجمه اخبار - به جای رجوع به متن انگلیسی خبرها - به نظر می‌رسد احتمال سوگیری معنادار در نتایج این مطالعه منتفی است چرا که خردترین سطح تحلیل خبر در این مطالعه، عبارات و جملات هستند و نه واژگان - و با توجه به وفادار بودن مترجم به جملات و تلاش برای انتقال مفاهیم هر عبارت یا جمله از انگلیسی به فارسی، نتایج حاصله در نهایت، قابل دفاع هستند.

پایایی: پایایی در تحقیقات پیمایشی و تحلیل محتوا به معنی اطمینان از عینی‌گرایی در تحقیق است، اما در روش تحلیل گفتمان با توجه به اینکه تفسیر و تبیین به وسیله محقق صورت می‌گیرد، این احتمال وجود دارد که محقق دیگری در رویارویی با متن اخبار یا گزارش‌های خبری، نتیجه‌گیری متفاوت داشته باشد. البته با توجه به تبعیت محقق از طرح روش عملیاتی تحلیل گفتمان به عنوان یک روش مطالعاتی، احتمال اینکه محقق دیگری نیز نتیجه‌گیری مشابهی از بررسی متون (خبر و گزارش خبری) مذکور به عمل آورد بسیار زیاد است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام
جمعية دراسات العالم الإسلامي

بحث و جمع‌بندی

۱. سیاست بازنمایی محوری در خصوص هر یک از ۶ کشور بررسی شده (سطح پنجم تحلیل)

۱-۱. بحرین

از مجموع ۲۳۳۲ خبر پخش شده در ۳ بخش خبری ۳:۰۰، ۱۱:۰۰ و ۱۹:۳۰ در بازه اردیبهشت و خرداد ۹۰ (۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه)، مجموعاً ۱۵۷ خبر به تحولات بحرین اختصاص داشت که حدود ۶۷ درصد از کل اخبار را در بر می‌گیرد. در این مدت سیاست بازنمایی پرس‌تی‌وی در خصوص تحولات بحرین در دو محور کلی قابل تقسیم است:

۱- تصویرسازی شبکه نسبت به رژیم حاکم در بحرین، و ۲- تصویرسازی شبکه نسبت به روابط خارجی بحرین، و از میان این دو محور، تمرکز اصلی پرس‌تی‌وی بر محور اول یعنی تصویرسازی شبکه نسبت به رژیم حاکم بوده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد عمده‌ترین راهبرد خبری پرس‌تی‌وی در خصوص رژیم آل خلیفه در این شبکه عبارتند از: ۱- تئوریزه کردن لزوم تغییر حکومت از طریق برجسته‌سازی حجم گسترده سرکوب‌های رژیم و بازنمایی موارد متعدد نقض حقوق بشر؛ ۲- شکنجه زندانیان و نقض آزادی‌های مذهبی از سوی رژیم حاکم در بحرین؛ و ۳- بازنمایی مطالبات مردمی در تغییر رژیم بحرین به‌عنوان تأکیدی بر اینکه رژیم بحرین پایگاه مردمی خود را از دست داده است.

حمایت گسترده عربستان سعودی و آمریکا از رژیم بحرین در سرکوب مردم و نقض حقوق بشر به‌طور گسترده در پرس‌تی‌وی مورد تأکید قرار گرفته و به تنش‌های دیپلماتیک در روابط بحرین - ایران به‌صورت بسیار محدود اشاره شده، اما این موضوع برجسته نشده و لذا به‌عنوان سیاست خبری پرس‌تی‌وی در خصوص بحرین قابل استناد نیست.

هرچند تأکید بر «اصلاحات عادلانه» به‌عنوان یکی از مطالبات مردمی در راهپیمایی‌های بحرین در یکی از خبرها، سطح بازنمایی مطالبات را از «تغییر رژیم» به «اصلاحات در رژیم» تغییر داد، حجم بسیار کم این مقوله (۱ خبر) در مقابل جهت‌گیری اصلی اخبار بحرین در شبکه یعنی تئوریزه کردن لزوم تغییر رژیم (۱۴۲ خبر) تأثیری در گفتمان غالب شبکه در قبال بحرین نداشته و از این منظر در بازه مورد بررسی نمی‌توان جهت‌گیری و پارادایم‌های فکری و نظری پرس‌تی‌وی در گفتمان‌های مختلف در قبال بحرین را دچار تناقض گفتمانی دانست.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام
جمعیت برای مطالعات اسلامی

۴۲

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

۱-۲. لیبی

از مجموع ۲۳۳۲ خبر پخش شده در ۳ بخش خبری ۳:۰۰، ۱۱:۰۰ و ۱۹:۳۰ در بازه اردیبهشت و خرداد ۹۰ (۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه)، مجموعاً ۱۵۲ خبر به تحولات لیبی اختصاص داشت که حدود ۶/۵ درصد از کل اخبار را در بر می گیرد. در این مدت سیاست بازنمایی پرس تی وی در خصوص لیبی در دو محور کلی قابل تقسیم است: ۱- تصویرسازی شبکه نسبت به حضور نظامی ناتو در لیبی؛ و ۲- تصویرسازی شبکه نسبت به جنگ داخلی بین نیروهای قذافی و انقلابیون. از میان این دو محور، تمرکز اصلی پرس تی وی بر محور اول یعنی حضور نظامی ناتو در لیبی بوده است.

در خصوص حضور نظامی ناتو در لیبی، شبکه با نهی دخالت نظامی ناتو در لیبی تأکید اصلی را بر تعدی ناتو از مأموریت اصلی اش در لیبی - یعنی حفاظت از غیر نظامیان - گذاشته است. برجسته سازی وضع اسف بار غیر نظامیان و گسترش بحران انسانی در مدت مداخله نظامی ناتو در لیبی از این منظر قابل توجیه است.

در خصوص جنگ داخلی - بین نیروهای رژیم قذافی و انقلابیون - به نظر می رسد تمرکز اصلی شبکه بر تثریزه کردن لزوم تغییر رژیم قذافی از طریق برجسته سازی مصادیق مختلف اعمال خشونت از سوی این رژیم بوده و در مجموع تصویری منفی از رژیم حاکم ارائه می نماید.

۱-۳. یمن

از مجموع ۲۳۳۲ خبر پخش شده در ۳ بخش خبری ۳:۰۰، ۱۱:۰۰ و ۱۹:۳۰ در بازه اردیبهشت و خرداد ۹۰ (۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه)، مجموعاً ۱۴۱ خبر به تحولات یمن اختصاص داشت که حدود ۶ درصد از کل اخبار را در بر می گیرد.

در این مدت سیاست بازنمایی پرس تی وی در خصوص یمن در سه محور کلی قابل تقسیم است: ۱- تصویرسازی شبکه نسبت به شرایط داخلی یمن؛ ۲- تصویرسازی شبکه نسبت به شرایط مطلوب؛ و ۳- تصویرسازی شبکه نسبت به دخالت های خارجی). از میان این سه محور، تمرکز اصلی پرس تی وی بر محور اول یعنی شرایط داخلی یمن بوده است. در خصوص شرایط داخلی در یمن، شبکه تمرکز اصلی خود را بر نفی علی عبدالله صالح و لزوم محاکمه وی قرار داده است. بیان مصادیق مختلفی از سرکوب های صورت گرفته از سوی رژیم و مطالبه «محاکمه صالح» از سوی مردم، در این راستا قابل تحلیل است. تثریزه کردن شرایط مطلوب در یمن، یکی دیگر از محورهایی است که با زخمی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

شدن علی عبدالله صالح و انتقال وی به عربستان در دستور کار شبکه قرار گرفت. در این خصوص، تمرکز بر سیاست خبری (تئوریزه کردن لزوم تشکیل دولت انتقالی) از طریق طرح آن به عنوان اصلی ترین مطالبه مردم یمن در دستور کار قرار گرفت. همچنین موضوع دخالت های خارجی در یمن، به عنوان یک محور کلی اگرچه حجم قابل توجهی را در میان اخبار یمن به خود اختصاص نداده است، به لحاظ جهت گیری در قالب یک محور مجزا قابل تفکیک است. در این محور، تمرکز اصلی بر حمایت های آمریکا و عربستان از رژیم یمن در سرکوب مخالفان و نیز ماهیت ضد آمریکایی و ضد عربستانی قیام مردمی یمن بوده است.

۱-۴. سوریه

از مجموع ۲۳۳۲ خبر پخش شده در ۳ بخش خبری ۳:۰۰، ۱۱:۰۰ و ۱۹:۳۰ در بازه اردیبهشت و خرداد ۹۰ (۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه)، مجموعاً ۶۳ خبر به تحولات سوریه اختصاص داشت که حدود ۲/۷ درصد از کل اخبار را در بر می گیرد. در این مدت سیاست بازنمایی پرس تی وی در خصوص سوریه در دو محور کلی قابل تقسیم است: ۱- تصویرسازی شبکه نسبت به شرایط داخلی؛ و ۲- تصویرسازی شبکه نسبت به دخالت های خارجی. از میان این دو محور، تمرکز اصلی پرس تی وی بر محور اول یعنی شرایط داخلی سوریه بوده است.

در خصوص بازنمایی شرایط داخلی در سوریه، شبکه با پوشش خبری کشتار معارضان و نیروهای دولتی، کشتار نیروهای دولتی را برجسته سازی می نماید. در خصوص هویت عاملان کشتارهای سوریه، شبکه، دو سیاست خبری را در پیش گرفته است که مکمل یکدیگر هستند: از یک طرف، هویت عوامل کشتار را نامعلوم معرفی می کند و از سوی دیگر، با برجسته سازی پوشش اعترافات معارضان مسلح به کشتار مردم، عملاً معارضان مسلح را مقصر اصلی در این کشتارها معرفی می نماید. همچنین تئوریزه کردن لزوم انجام اصلاحات در سوریه از دیگر سیاست های خبری شبکه در خصوص تحولات داخلی سوریه است.

در خصوص بازنمایی دخالت های خارجی در تحولات سوریه، برجسته سازی نقش کشورهای خارجی - به طور خاص: ترکیه، آمریکا، فرانسه و اتحادیه اروپا در ناآرامی های سوریه مورد تأکید قرار گرفته است. عدم انزوای سوریه در سطح بین المللی یکی از سیاست های خبری پرس تی وی است که در خصوص روابط دولت بشار اسد با جامعه جهانی برجسته شده است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۴۴

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

۱-۵. مصر

از مجموع ۲۳۳۲ خبر پخش شده در ۳ بخش خبری ۳:۰۰، ۱۱:۰۰ و ۱۹:۳۰ در بازه اردیبهشت و خرداد ۹۰ (۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه)، مجموعاً ۵۷ خبر به تحولات مصر اختصاص داشت که حدود ۲/۵ درصد از کل اخبار را در بر می‌گیرد. در این مدت سیاست بازنمایی پرس تی‌وی در خصوص مصر در دو محور کلی قابل تقسیم است: ۱- تصویرسازی سیر تحولات داخلی مصر پس از سقوط مبارک؛ و ۲- تصویرسازی شبکه در خصوص روابط خارجی در مصر جدید. از میان این دو محور، سیاست خبری شبکه بر محور اول یعنی بازنمایی تحولات داخلی مصر متمرکز بوده است.

در خصوص تحولات داخلی در مصر، شبکه تمرکز اصلی را بر پی‌گیری مطالبات قیام مردم مصر قرار داده است و با برجسته‌سازی رویدادهایی از قبیل «دادگاه حسنی مبارک و دیگر عوامل رژیم» و نیز موضوعاتی از جمله «وحدت ملی» و «دموکراسی خواهی» که از جمله اصلی‌ترین مطالبات مردم مصر بوده است، همچنان این موضوعات را مورد مطالبه مردم معرفی می‌کند. تأکید بر برآورده نشدن برخی از مطالبات قیام در مصر، به عنوان یک سیاست خبری در بازه فوق مورد تأکید بوده است. در خصوص روابط خارجی در مصر جدید، سیاست خبری شبکه تمرکز بر نفی رابطه مصر با اسرائیل و مطالبه از سرگیری روابط با فلسطینیان در مصر جدید بوده است.

۱-۶. تونس

از مجموع ۲۳۳۲ خبر پخش شده در ۳ بخش خبری ۳:۰۰، ۱۱:۰۰ و ۱۹:۳۰ در بازه اردیبهشت و خرداد ۹۰ (۱۲۴ بخش خبری مشروح و کوتاه)، مجموعاً ۱۷ خبر به تحولات تونس اختصاص داشت که حدود ۰/۷ درصد از کل اخبار را در بر می‌گیرد و به لحاظ حجم پوشش خبری، کمترین میزان در بین ۶ کشور بررسی شده است. در این مدت، سیاست بازنمایی پرس تی‌وی در خصوص تونس عمدتاً تمرکز بر تصویرسازی سیر تحولات داخلی پس از فرار زین‌العابدین بن علی است.

در خصوص تحولات داخلی در تونس، شبکه تمرکز اصلی را بر پی‌گیری مطالبات قیام مردم تونس قرار داده است و با برجسته‌سازی رویدادهایی از قبیل «دادگاه غیابی بن علی و همسرش» و نیز موضوعاتی از جمله مطالبه مردم در حذف بقایای رژیم بن علی از عرصه سیاسی تونس همچنان تغییر رژیم را که اصلی‌ترین خواست قیام مردم تونس بوده است تحقق‌نیافته بازنمایی می‌کند.

۲. بررسی مقایسه‌ای سیاست بازنمایی محوری پرس تی‌وی در قبال تحولات بیداری اسلامی کشورهای منطقه

ردیف	نام کشور	میزان پوشش	درصد پوشش	نحوه بازنمایی
۱	بحرین	۱۵۷ خبر	۶/۷	♦ نفی رژیم (تئوریزه کردن لزوم تغییر) ♦ حمایت گسترده عربستان و آمریکا از رژیم حاکم در سرکوب‌ها و نقض حقوق بشر
۲	لیبی	۱۵۲ خبر	۶/۵	♦ تصویرسازی نسبت به حضور نظامی ناتو در لیبی؛ دخالت نظامی ناتو در لیبی (تعدی ناتو از مأموریت اصلی‌اش در لیبی) ♦ تصویرسازی نسبت به جنگ داخلی بین نیروهای قذافی و انقلابیون؛ ♦ نفی رژیم قذافی (تئوریزه کردن لزوم تغییر رژیم قذافی)
۳	یمن	۱۴۱ خبر	۶	♦ تصویرسازی نسبت به شرایط داخلی یمن؛ ♦ نفی علی‌عبدالله صالح (تئوریزه کردن لزوم تغییر) ♦ تصویرسازی نسبت به شرایط مطلوب؛ ♦ تأکید بر لزوم تشکیل دولت انتقالی ♦ تصویرسازی نسبت به دخالت‌های خارجی؛ ♦ حمایت‌های آمریکا و عربستان از رژیم یمن در سرکوب‌ها - ماهیت ضدآمریکایی و ضدعربستانی قیام یمن
۴	سوریه	۶۳ خبر	۲/۷	♦ تصویرسازی نسبت به شرایط داخلی؛ ♦ پوشش کشتار معارضان و نیروهای حکومتی با تأکید (برجسته‌سازی) بر کشتار نیروهای حکومتی؛ ♦ هویت عاملان کشتار: نامعلوم بودن - پخش اعترافات معارضان مسلح ♦ تئوریزه کردن لزوم اصلاحات (و نه تغییر در رژیم) ♦ تصویرسازی نسبت به دخالت‌های خارجی؛ ♦ نقش کشورهای خارجی در ناآرامی‌ها - عدم انزوای سوریه در سطح بین‌المللی
۵	مصر	۵۷ خبر	۲/۵	♦ تصویرسازی سیر تحولات داخلی در مصر جدید؛ ♦ پی‌گیری مطالبات قیام ♦ تصویرسازی در خصوص روابط خارجی در مصر جدید؛ ♦ نفی رابطه با اسرائیل - حمایت از ازسرگیری رابطه با فلسطین
۶	تونس	۱۷ خبر	۰/۷	♦ تصویرسازی سیر تحولات داخلی پس از فرار بن‌علی؛ ♦ پی‌گیری مطالبات قیام
جمع		۵۸۷ خبر	۲۵ (حدود)	



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بایستی جهان اسلام

۴۶

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمانی اخبار پرس تی‌وی بیانگر سیاست‌های خبری و گفتمانی‌ای است که در رابطه با کشورهای مورد تحلیل بوده که به‌طور خلاصه عبارتند از:

اول؛ سیاست بازنمایی شبکه در خصوص کشورهایایی که در میانه تحول اند: سیاست خبری شبکه پرس تی‌وی در قبال تحولات معاصر کشورهای بحرین، لیبی، یمن و سوریه در دو بعد داخلی و خارجی قابل تقسیم است.

بعد داخلی: شبکه پرس تی‌وی در بعد داخلی خبری، تفاوت مهمی در بازنمایی تحولات سوریه نسبت به یمن، لیبی و بحرین نشان داده است. به این صورت که در بازنمایی تحولات داخلی یمن، بحرین و لیبی محورهای اساسی ذیل از اصلی‌ترین سیاست‌های خبری بازنمایی شده توسط این شبکه بوده که مورد تأکید قرار گرفته‌اند: ۱- نفی مستقیم رژیم‌های حاکم با تأکید بر مصادیق فساد در این کشورها؛ ۲- سرکوب و شکنجه مردم توسط رژیم‌های کشورهای مزبور؛ ۳- برجسته‌سازی موضوعاتی از جمله نقض حقوق بشر و نقض آزادی‌های مذهبی مردم؛ ۴- در خصوص سوریه، شبکه پرس تی‌وی سیاست خبری دیگری اتخاذ کرده است که حاکی از تفاوت اساسی با سایر کشورهای دیگر مورد تحقیق بوده است. محورهای اساسی مطرح شده در رابطه با این کشور عبارتند از: الف) لزوم اصلاحات در سوریه (و نه تغییر رژیم) مورد تأکید قرار گرفته است؛ ب) تفاوت اصلی دیگر در بازنمایی تحولات سوریه نسبت به یمن، بحرین و لیبی این است که عامل کشتار در سوریه، معارضان مسلحی معرفی می‌شوند که مورد حمایت غرب هستند و حکومت در خصوص کشتار مردم مقصر دانسته نمی‌شود؛ در حالی که در کشتارها و سرکوب‌های یمن، بحرین و لیبی مقصر اصلی حکومت‌های این کشورها با همکاری کشورهای دیگر معرفی می‌شوند. این مسئله به‌هر حال بیانگر دیدگاه شبکه پرس تی‌وی است که متأثر از سیاست کلی نظام در این زمینه است.

بعد خارجی: شبکه پرس تی‌وی در بعد خارجی نیز مسائل را به‌گونه‌ای مطرح کرده است که بیانگر سیاست خبری و گفتمان آن در رابطه با کشورهای مورد بررسی است. این موارد عبارتند از: ۱- سیاست نفی مداخلات خارجی: در خصوص تحولات یمن، بحرین، لیبی و سوریه، اصلی‌ترین سیاست بازنمایی شبکه پرس تی‌وی «نفی مداخلات خارجی» است. ۲- عدم انزاوای بین‌المللی حکومت سوریه: سیاست گفتمانی و خبری شبکه پرس



تی‌وی در خصوص سوریه بر «عدم انزوای بین‌المللی حکومت بشار اسد» تأکید دارد که به‌عنوان یک سیاست بازنمایی اساسی در این زمینه مطرح است.

دوم؛ سیاست بازنمایی شبکه در خصوص کشورهای که دوران پس از انقلاب را تجربه می‌کنند: سیاست خبری شبکه در قبال تحولات مصر و تونس در دو بعد داخلی و خارجی قابل تقسیم است.

بعد داخلی: مهمترین سیاست خبری شبکه پرس تی‌وی در خصوص این دو کشور عبارت از «پی‌گیری مطالبات قیام» است. این شبکه در این زمینه مردم کشورهای مزبور را به «پی‌گیری مطالبات قیام» دعوت می‌کند.

بعد خارجی: شبکه پرس تی‌وی در این زمینه دو سیاست گفتمانی و خبر در مورد دو کشور ذیل داشته است: الف) در خصوص اخبار مربوط به کشور مصر سیاست «نفی رابطه با اسرائیل» به‌عنوان یک سیاست خبری قابل توجه است. ب) سیاست پرس تی‌وی در خصوص کشور تونس جهت‌گیری خاصی نداشته است و رویکرد خاصی را در این زمینه نشان نمی‌دهد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

کتابنامه

اوگاو، تسونئو (۱۳۸۰). «کاربرد تنظیم و برجسته‌سازی خبر»، زهره بیدختی، فصلنامه رسانه، شماره ۲، سال دوازدهم، صص ۷۴-۸۱.

بشیر، حسن (۱۳۹۰). رسانه‌های بیگانه: قرائتی باتحلیل گفتمان، تهران: نشر سیمای شرق.
بشیر، حسن و حمیدرضا حاتمی (۱۳۸۸). «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم (از ۲۵ اسفند ۸۶ تا ۶ اردیبهشت ۸۷)»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی مرکز تحقیقات صدا و سیما، سال ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۵۷، صص ۹۳-۱۱۴.

بشیر، حسن و همکاران (۱۳۸۹). خبر: تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).

دفلور، ملوین و اورت ای دنیس (۱۳۸۳). شناخت ارتباط جمعی، سیروس مرادی، تهران: دانشکده صدا و سیما.

سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.
سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.
سولیوان، تام او. و دیگران (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات، میرحسن رئیس‌زاده، تهران: فصل نو.
شعار غفاری، پیروز (۱۳۷۴). «معرفت‌شناسی خبر»، فصلنامه رسانه، شماره ۳، سال ششم.

شکرخواه، یونس (۱۳۸۷). خبر، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

شکرخواه، یونس (۱۳۸۲). واژه‌نامه ارتباطات، تهران: سروش.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۰). «تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران از انقلاب مشروطه تا پایان دهه دوم انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

کریمی، لقمان، و آزاده نجفی (۱۳۹۰). «بررسی چگونگی انعکاس خبر تحولات یمن و سوریه در پرس تی‌وی از منظر تحلیل گفتمان»، تهران: سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، گزارش منتشر نشده.
مسعودنیا، حسین و زهرا صادقی نقدعلی (۱۳۹۲). «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۱، سال سوم، صص ۹۷-۱۱۸.

مسعودی، امید (۱۳۸۲). «روش‌های جدید خبری در جنگ دوم خلیج فارس: انگاره‌سازی و جذب در بازی»، پژوهش و سنجش، ش ۳۴، سال دهم، صص ۱۴۵-۱۲۳.

معمندنژاد، کاظم و محمد مهدی‌زاده (۱۳۸۵). «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب؛ تحلیل انتقادی گفتمان (نیویورک تایمز)، (گاردین)، (لوموند) و (دی وست)»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، ش ۳۶، صص ۱-۳۵.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

مولانا، حمید (۱۳۷۵). «رسانه‌ها و انگاره‌سازی»، غلامرضا تاجیک، فصلنامه رسانه، ش ۲، سال هفتم.
مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
وحیدی فردوسی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان پرس تی‌وی در انقلاب مصر؛ بررسی سیاست‌های
بازنمایی پرس تی‌وی در انقلاب مصر»، تهران: سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، گزارش
منتشر نشده.

نیاکوئی، سید امیر و دیگران (۱۳۹۲). «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳)»،
فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ش ۱، سال سوم، صص ۱۳۹-۱۱۹.
ویلیامز، کوین (۱۳۸۶). درک تئوری رسانه‌ها، رحیم قاسمیان، تهران: نشر ساقی.
ویندال، سون، بنو سیگنایزر و جین اولسون (۱۳۸۷). کاربرد نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان،
تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
هال، استوارت (۱۳۸۶). غرب و بقیه: گفتمان و قدرت، محمود متحد، تهران: آگه.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام